

در این دنیا

ده فیلم عمر «هانکه»

در نظرسنجی سایت اند ساوند

در سال ۲۰۰۲ هانکه هم به مانند خیلی از کارگردانان سرشناس دیگر در نظرسنجی سایت اند ساوند شرکت و فهرستی از ۱۰ فیلم برتر زندگی خودش را تهیه کرد. اصولاً در مورد او گفته می‌شود انگار آنتونیونی با هیچ‌کاک ترکیب شده‌است که تعبیر قابل توجهی است. در زیر ۱۰ فیلم منتخب او را مرور می‌کنیم.

۱- ناگهان بالتازار (روبر برسون ۱۹۶۶)

عده‌یی معتقدند این فیلم برترین اثر سینمای برسون است. جایی که ساختار روایی دراماتیک در کنار نوعی نمادگرایی شاعرانه، مخاطب را به همذات‌پنداری با یک خرسوق می‌دهد. در ضمن «آن ویازمسکی» با این فیلم کار سینمایی خود را آغاز کرد که بعدها در فیلم‌هایی از گدار و بازولینی بازی کرد.

۲- لانسلو دولاک (برسون ۱۹۷۴)



یکی از آثار بدبینانه برسون درباره آرمان و زندگی. برسون با همان سبک مینی مال و منحصر به فردش، یک درام لباس جنگی ساخته است. بازن معتقد بود، برسون بیش از هر کس دیگری توانسته ارزش‌های سینمای صامت را با سینمای ناطق ترکیب و تلفیق کند.

۳- آینه

(آندری تارکوفسکی ۱۹۷۵)

خود تارکوفسکی تا حد زیادی تحت‌تأثیر سینمای برسون بوده است و این انتخاب از سوی هانکه اصالت و ریشه‌دار بودن نگاه سینمایی‌اش را بیشتر نشان می‌دهد، هرچند که پرداخت روانکاوانه و وابسته به خاطره در فیلم هم دلیلی است تا هانکه فیلسوف و روانشناس فیلم را ستایش کند. آینه را خیلی‌ها آمارکورد یا حتی هشت و نیم تارکوفسکی می‌دانند.

۴- سالو

(پی‌یرپائولو بازولینی ۱۹۷۵)

اقتباس بازولینی از نوشته مارکی دو ساد که آخرین روزهای حکومت فاشیستی را به تصویر می‌کشد. به نظر می‌رسد این انتخاب از سوی هانکه بیشتر شامل جنبه‌های فرامتی اثر می‌شود تا مباحث ایدئولوژیک.

۵- فرشته فنا کننده

(لوئیس بونول ۱۹۶۲)



شاهکار گروتسک و تلخ سوررئالیست بزرگ سینما بونوئل نقدی است بر آداب و رسوم زندگی بورژوازی. جایی که یک مهمانی بزرگ به آزارگاهی تبدیل می‌شود که راه فرای از آن نیست و مقایسه آن با اردوگاه‌های مرگ نازی، تعبیر فوق‌العاده‌یی است. این فیلم یکی از آخرین ساخته‌های سیاه و سفید استاد سینما است.

۶- جویندگان طلا

(چارلی چاپلین ۱۹۲۵)

تنها فیلم صامت فهرست هانکه که علاقه او به چاپلین، نه تنها به عنوان یک کمدین را نشان می‌دهد. راه رفتن چاپلین در لباس یک مرغ از صحنه‌های فراموش‌ناشدنی تاریخ سینما است.

۷- روانی

(آلفرد هیچکاک ۱۹۶۰)

سهم هانکه از یکی از بزرگ‌ترین منابع الهام سینمایی‌اش. بی‌شک انگیزه‌های روانی حاضر در ساختار روایی فیلم، دلیل اصلی توجه هانکه به این شاهکار کلاسیک است.

۸- زنی تحت نفوذ

(جان کاساوتیس ۱۹۷۴)



یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین آثار سینمای مستقل ورده ب سینمای امریکا که سنگ‌بنای خیلی از فیلم‌های دیگر را تشکیل می‌دهد. معلم پائولو هانکه به نوعی تأثیر گرفته از این فیلم است. امریکای سرد و بی‌روح و رویاهای سقوط کرده، در این روایت زنانه اصالتی وصف‌ناشدنی دارند.

۹- آلمان سال صفر

(روبرتو روسلینی ۱۹۴۸)

فیلمی که سه‌گانه نئورئالیستی روسلینی را در یک فضای جنگ‌زده کامل می‌کند. رم شهر بی دفاع و پایتزا دو فیلم نخست است سه‌گانه هستند. تنها هانکه و برتولوچی به این فیلم رای داده‌اند.

۱۰- کسوف

(میکل آنجلو آنتونیونی ۱۹۶۲)

در ظاهر دو عاشق در رم به رابطه خود پایان می‌دهند، اما در نهایت خواهیم دید چگونه انسان به هرگونه رابطه‌یی پایان می‌دهد. پایاپای‌نشدنی فیلسلم یکی از وصف‌ناشدنی‌ترین‌های سینما است.

محمد باغبانی : میثائیل هانکه هم به فهرست

کارگردانی پیوسته است که تاکنون فیلمی از خود را

بازسازی کرده‌اند.

بازی‌های مسخره که یکی

از تحسین‌شده‌ترین آثار

هانکه است، این بار در

امریکا و یا حضور

بازیگران سرشناس

امریکایی بازسازی شده

است. اما نکته جالب این

است که فیلم هانکه هیچ

تفاوتی با نسخه اول ندارد

و به نوعی او پلان به پلان

فیلمش را بازسازی کرده

است و تغییرات و

تفاوت‌ها تنها به جزئیاتی

در صحنه و میزانسن

مربوط می‌شوند. اما دلیل

این کار چیست؟ شاید

بتوان این‌طور فکر کرد که

هانکه کار خودش را آسان

پروژه‌های ناب بعدی‌اش

به جیب زده، اما حقیقت

این است که هانکه در

ادامه مسیری که در

بازی‌های مسخره (نسخه

اول) طی کرده، فیلم خود

را تکرار کرده و نه

بازسازی. یعنی با فیلمی

طرف هشتم که تکرار فیلمی (بخوانید تکرار چندسکانس)

دیگر است. به جرات می‌توان گفت فیلم بازی‌های مسخره

یکی از مهم‌ترین آثاری است که تاکنون درباره سینما ساخته

شده‌است. پس در اینجا تکرار هانکه، طرح سوال دیگر

نیست، بلکه تثبیت یک موضوع مهم و خیال‌انگیز است

که در هنر سینما جای دارد؛ اینکه آتهایی که داستان فیلم

را می‌دانند ولی باز در نقاط مختلف ساختار روایی آن،

اسیر خشونت و ذات محصور کننده فیلم می‌شوند. تنها

به خاطر جادوی سینما است که هانکه در این فیلم به

خصوصاً (یا بهتر است بگویم دو فیلم به خصوص)، آن

را مطرح و نقد می‌کند.

اسلاوی ژرژک می‌گوید، سینما آن چیزی را که دلخواه

تو است به تو نمی‌دهد، بلکه به تو می‌گوید و

می‌فهماند که چه چیز دلخواه تو باشد.

اما اخیراً فیلمی ساخته شده با نام دختر دیگر بولین، که

داستان و اتفاقات آن دقیقاً برعکس کرده به یکی از

تحسین‌شده‌های تاریخ سینما (حدافل در ایران)؛ مردی

برای تمام فصول ساخته فرد زینه‌مان. در این فیلم، هنری

هشتم، معشوقه‌هایش و زندگی در دربار به تصویر کشیده

شود و برخلاف فیلم زینه‌مان خبری از سر توماس

مور و دادگاهی که او را محکوم به مرگ کرد، نیست.

فیلم عملاً مسیری را نشان می‌دهد که طی آن هنری هشتم

عاشق و دلباخته آن بولین می‌شود و یک تنه سلطنت

انگلستان را به بادمی دهد. فیلم از آن دسته‌های لباس

است که غیر از برخی جلوه‌های چشم‌نواز بصری چیزی

برای عرضه و ارائه ندارد و بازی بازیگران تنها نقطه قوت

فیلم است. با این حال فیلم دختر دیگر بولین به خوبی

نشان می‌دهد نزد پادشاهی چون هنری هشتم، چگونه نهاد

و اساس خانواده‌یی چون خانواده سر توماس مور و حتی

بولین نبود می‌شود. نزد هنری هشتم هر چقدر اخلاق گرا

یا فایده باور باشی در نهایت نابود خواهی شد.

آیا فیلمی می‌تواند در آن واحد هم جذاب باشد و

یادداشتی برای بازی‌های مسخره میثائیل هانکه

دست و پا زدن در گل

اوون کلیرین

ترجمه: حسین عبیدی زاده



مایکل پیت و بردی کوریت با لباس تیس و دستکش شش‌پدازها نقش دو هیولای بازی می‌کنند

هم آزردهنده؟ فیلم «بازی‌های مسخره» نگاه طراز و سادستی میثائیل هانکه است به خانواده‌یی از طبقه متوسط که همچون خوک‌های در گل مانده دست و پا می‌زنند و تقلا می‌کنند. هانکه در این فیلم کاراکترها و بینندگان را در مگنگه قرار می‌دهد. تماشای بازی‌های مسخره را به همه کس توصیه نمی‌کنم، اما منکر ارزش‌های این فیلم هم نمی‌شوم. فیلم با مهارت و افسونی خشونت‌بار به همراه تعلیقی بیمارگون ساخته شده است. در منطقه‌یی ثروتمندتشنین و به دور از شهر خانواده‌یی سه نفره تعطیلات خود را در خانه تابستانی شان که از تمیزی برق می‌زند، می‌گذرانند که

اسیر دو جوان مرفه و تحصیل‌کرده روانی می‌شوند. آن دو به تحریک خاندان و شکنجه دادن آنها می‌پردازند. این خانواده (نانومی واتس و اریک راث در نقش والدین و دون گیرهارت در نقش پسرک حدوداً ۱۰ ساله‌شان) انسان‌هایی نازنین، دوست‌داشتنی و نازپورده هستند. دو هیولای جوان

نیز لباس سفید تیس به تن دارند و دستکش‌های سفید شش‌پدازهان. آدم‌هایی مزاحم و ترسناک که هیچ‌گاه لبخند ملیح و رفتار محترمانه‌شان را فراموش نمی‌کنند بازیچه اصلی این دو قدرت است. در ابتدا یکی از این دو(بردی کوریت) برای قرض گرفتن چند تخم مرغ دم در خانه می‌آید. او مودب و خجالتی است و هنگام خروج از خانه «تصادفاً» تخم‌مرغ‌ها را می‌اندازد و بعد از خانه بیرون نمی‌رود و دوستش هم که بیرون خانه پرسه می‌زند به او

هانکه در فیلم هایش چون ویدئوی بنی، معلم پائولو

و «پنهان» به کنکاشی در ترس و خشونت دست زده

است؛ ترس و خشونتیی که به قول هانکه همچون زهری از پشت نشات پوشالی زندگی بورژوازی بیرون زده

است. هانکه فیلمسازی باهوش و فرهیخته است، او

همچنین روشنفکری متکبر است که خاری در چشمان

اروپاست. بازی‌های مسخره بازسازی نما به نما و خط

به خط فیلم بازی‌های مسخره ساخته سال ۱۹۹۷

هانکه است که اولریخ موهه (بازیگر نقش جاسوس

در فیلم زندگی دیگران) در آن بازی می‌کرد. این نسخه

جدید تا حد زیادی همان فیلم پیشین است – اما شاید

دیدن نانومی واتس ستاره

باکلاس هالیوود که سر

تا پایش را بسا نوار

بسته‌اند، شوکه‌کننده‌تر

باشد.

در امریکایی‌ی که

مجموعه فیلم‌هایی چون

اره و استراحتگاه که در

آنها ترس یعنی تکه تکه

کردن بدن قربانیان،

دیدن فیلمسی چون

بازی‌های مسخره در

سینمای چندسالنه

تفریحی برای جوانان

است. اما در اروپا چنین

فیلمی، فیلمسی هنری

محسوب می‌شود.

نسخه جدید می‌خواهد

هم هنری باشد و هم

تجاری و سرگرم‌کننده.

اگر از دیدن فیلم لذت

بیرید، در واقع هانکه به

شما این پیام را می‌دهد

اتفاقات فیلم سهیم

هستند. یا دیدن فیلم

شما هم دارید خشونت را

به تفریح تبدیل می‌کنید.

(در چند جای فیلم، مایکل بیت دیوار چهارم را

می‌شکند و به طور مستقیم تماشاگر را خطاب قرار

می‌دهد.) به من گوش دهید شاید شما بگویید که این

فیلم سراسر بلوف است و بگوید: «این که هنر نیست،

فقط تصاویری از شکنجه است که با نماهای عجیب گرفته

شده‌است!» اما هانکه برنده اصلی است، چون فیلمش

دقیقاً تماشاگرش را استثمار می‌کند و تماشاگر را دلیل این

همه خشونت معرفی می‌کند. حتی جزئیات غیرقابل قبولی

چون ناتوانی نانومی واتس در دست یافتن به تافن همراه

اریک راث یا نداشتن همسایه‌یی که از او کمک بخواهند،

منطق «اسارت در جهنم» فیلم را که در واقع منطق فیلم‌های

درجه دو است تأیید می‌کند. پیت و کوریت جانوران

خوش‌خط و حال‌انعطاف‌پذیری هستند، راث مو بر

تن تان سیخ می‌کند چون مصداق واقعی رنج و عذاب

است و واتس در سکانسی بسیار عالی (نمای تک‌نفره‌یی

که ۱۰ دقیقه طول می‌کشد) در تلاش است برای بقا ما

را به صندلی‌مان میخکوب می‌کند.

بازی‌های مسخره تجربه‌یی بسیار ماهرانه هرچند

گروتسک است، اما فیلمی بی‌ریشه و خلق‌الساعه

نیست. از سادیسزم طنزانه و لذت‌بخش پرتقال کوکی

تا ظرف آب جوش سگ پوشالی پکین‌با تا بازی شکنجه

در مراسم مهمانی در فیلم کلاسیک بن‌بست محصول

۱۹۶۶ ساخته رومن پولانسکی همگی اجداد این فیلم

هستند. حقیقت این است که هانکه هم مانند گاسپار

نویه در فیلم بازگشت ناپذیر مسیر نه چندان منطقی و

آسانی را در پی می‌گیرد. اما با وجود اینکه کارش کمی

غیرمنطقی است، به سختی می‌توان نیش‌های فیلم را

انکار کرد. من از بازی‌های مسخره دفاع می‌کنم نه به

عنوان یک بیابنه (در این سطح فیلم تا حدودی از مد

افتاده است)، بلکه به عنوان یک تجربه؛ کابوس

بی‌رحم پیش پا افتاده‌یی که با اتکا به عوامل «ترس

ریشه‌یی‌اش مرا به صندلی ام جسداند.

منبع : اینترنتمنت ویکلی

آخرین والس

گفت و گو با هانکه

نمایش خشونت واقعی

کلارک کولیس

ترجمه: ح.ع

در بازی‌های مسخره، تریلر ترسناک و بدنام سال ۱۹۹۷ میثائیل هانکه کارگردان اتریشی، دو جوان اعضای خانواده‌یی را که در تعطیلات به سر می‌برند، مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، آن هم به دلایلی نامعلوم. هانکه با نشان دادن خود عمل خشونت‌آمیز در این فیلم و در عوض نشان دادن نتایج خونبار آن موفق شد، تأثیر فیلمش را دوچندان کند. حالا پس از گذشت ۱۰ سال او فیلمش را

به زبان انگلیسی و با حضور بازیگرانی چون نانومی واتس، تیم راث و مایکل پیت بازسازی کرده است. در این گفت‌وگو که ۱۴ مارس ۲۰۰۸ اینترنتمنت ویکلی با او انجام داده است او در مورد نرفتش از خشونت موجود در فیلم‌های هالیوودی و فیلمی چون قاتلین بالفطره (الیور استون) صحبت می‌کند و به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا شما اگر بازی‌های مسخره را تا به انتها نگاه کنید، حتماً مشکلی دارید؟

–نسخه جدید بازی‌های مسخره بسیار شبیه فیلم قبلی

است. چرا تصمیم گرفتید این فیلم را بسازید؟

چون فیلم قبلی که به زبان آلمانی ساخته شده بود،

نتوانست جایش را درمیان تماشاگران انگلیسی زبان پیدا

کند. در حالی که آن فیلم برای مخاطبان انگلیسی ساخته

شده بود.

–تیم راث و نانومی واتس نسخه قبلی بازی‌های مسخره

را دیده بودند؟

پیش از ساخت فیلم دیده بودند تا بدانند که قرار است

چه کاری انجام دهند. اما زمان ساخت فیلم به آنها گفتم

دوباره فیلم را ببینند، چون باعث می‌شد تا حد زیادی

وابسته به شیوه بازی بازیگران در آن فیلم شوند.

–درست است که بگویم فیلم نقد رویکرد فیلم‌های

هالیوودی به مقوله خشونت است؟

اگر دوست دارید چنین برداشتی داشته باشید، من

مشکلی ندارم.

–چه برداشت دیگری می‌توان از فیلم داشت؟

(می‌خندد) واقعیت این است که من هیچ وقت

فیلم‌هایم را تعبیر نمی‌کنم. این به عهده منتقدان و

تماشاگران است که تعبیرات خودشان را بکنند.

–آیا این حقیقت دارد که منبع الهام نسخه اصلی بازی‌های

مسخره نرفت شما از فیلم قاتلین بالفطره الیور استون بوده

است؟

خب، این درست است که من از قاتلین بالفطره

متنفرم. اما این دلیل ساخت نسخه پیشین نبود، نه.

–چرا در بازی‌های مسخره خود اعمال خشونت‌بار را نشان

نمی‌دهید؟

نمی‌خواهم بخشی از صنعت «سوءاستفاده از خشونت

در رسانه جمعی» باشم.

–طبق آنچه اکنون گفتید به نظر می‌رسد که شما قصد نقد

خشونت در فیلم‌های هالیوودی را دارید؟

بله، البته. همیشه همین‌را گفته‌ام. در گفت‌وگوهای

بسیاری گفتم‌ه که خیلی خیلی از شیوه نمایش خشونت در

برخی از فیلم‌های هالیوودی نفرت دارم. این مساله را

مخفی نمی‌کنم.

–در بازی‌های مسخره لحظاتی وجود دارد که مایکل پیت

یکی از مهاجمان دیوار چهارم را می‌شکند و رو به تماشاگران